

مکتب‌های سیاسی

پیروان این نظریه را اپولوژیست می‌خوانند. اپولوژیست‌ها در عین حال اعتقاد داشتند که دولت‌ها باید مطیع خداوند باشند. چنان‌چه مشخص شود که دولت‌ها چنین نیستند و یا تظاهر به خداپرستی می‌کنند و برای حکومت کردن بر مردم به دروغ متوسل می‌شوند، اطاعت از چنین دولتی روا نیست و کوشه‌گیری بهتر از مشارکت در کار دولت و حکومت است.

با گذشت زمان و افزایش پیروان این نظریه، اپولوژیسم، به شکل یک عقیده سیاسی درآمد و فرقه‌ای به نام اپولوژیست به وجود آمدند. در قرن هفدهم میلادی و در دوره جنگ‌های داخلی و بحران‌های شدید سیاسی و اجتماعی انگلستان، اپولوژیست‌ها در مقابل مردمی ایستادند که برای رسیدن به عدالت اجتماعی مبارزه می‌کردند و خواستار حقوق مدنی از پادشاه بودند. اپولوژیست‌ها در این دوره

قرن هیجدهم میلادی برای بسیاری از فرضیه‌های ریاضی و فلسفی قرن معاصر خود با اتکا به فرضیه‌های اپتی‌میستیک Optimistic راه‌حل‌های مناسبی ارائه کرد. لیب نیتزر را حکیم خوش‌بین نامیده‌اند.

اپولوژیسم Apologism اپولوژیست Apologist

مسیحیت در آغاز پیدایش با مخالفت‌های سرسختانه‌ی بسیاری از خردورزان و دکراندیشان روبه‌رو بود. در قرن‌های نخستین مسیحیت فلاسفه‌ای وجود داشتند که معتقد بودند هیچ باور، اعتقاد، آیین و مذهبی نباید به زور، ترس، ایجاد وحشت و فشارهای اقتصادی و حکومتی به دیگران تحمیل شود. این خردورزان تعبد و بنده‌گی در مقابل مذاهب نوظهور را قبول نداشتند و می‌گفتند هر اعتقاد، باور و مذهب جدیدی باید با کمک عقل و استدلال در جامعه شکل گرفته و مردم چنان‌چه آن را با عقل پذیرفتند به آن گرایش پیدا کنند.

اپتی میسم OPTIMISM

در اصطلاح فلسفی و سیاسی معنی این کلام در زبان فارسی "خوشی بینی" است. نزدیک همین معنی نیز در تعریف انگلیسی آن به کار رفته است. نگاه کنید.

A tendency or disposition to expect the best possible outcome, or to dwell upon the most hopeful aspects of a situation.¹

در فلسفه، جامعه‌شناسی، سیاست و روان‌شناسی از این کلام استفاده‌های متفاوت، اما در معنی یکسانی می‌شود. در تاریخ فلسفه‌ی جهان از دوران یونان باستان تا دوره فلاسفه‌ی ایرانی-اسلامی قرن‌های میانه و در قرن‌های ۱۶ تا ۱۸ میلادی که اوج اعتقادات و باورهای فلسفی اروپا به شمار می‌رود، فیلسوفان بسیاری پدیدار شده‌اند که بخش مهمی از درس و فلسفه‌ی خود را بر پایه‌ی "اپتی میسم" قرار داده و با نگاهی خوش‌بینانه به مسائل اطراف خود پرداخته‌اند.

لیب نیتزر^۱ ریاضی‌دان و فیلسوف بسیار نامی آلمانی قرن هفدهم و اوایل

1. The American Heritage Dictionary

2. Gottfried Wilhelm Von Leib-Nitz, 1646-1716)





یهودیان مهم‌ترین هدف حمله‌های نژادپرستانه‌ی هیتلر و هم‌فکرانش بوده‌اند.

در قرن بیستم مخالفت و ضدیت با نژاد سامی‌ها از حالت نژادپرستانه خارج شده و شکلی مذهبی گرفته است. آلمان زیر سلطه‌ی هیتلر از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ میلادی کانون این دگرترین بود و بزرگ‌ترین جنایات بشری در مورد یهودیان اروپایی انجام گرفت.

از سال‌های میانی قرن نوزدهم میلادی افکار نژادپرستانه‌ی ضد سامی از سوی طرفداران نژاد آریین یا نژاد نوردیگ (Nordic) که رنگ موی آن‌ها بور، رنگ پوست آن‌ها سفید و رنگ چشمان آن‌ها روشن و یا آبی بود، آغاز شد. برای جا انداختن این نظریه که برترین نژادهای بشری آریین‌ها یا نوردیگ‌ها هستند، برخی از دانشمندان نژادپرست به تولید و اختراع کاذب فرضیه‌های نژادپرستانه‌ای پرداختند که امتیازها و برتری‌ها و شایسته‌گی‌های فراوانی را برای نژاد موردنظرشان مطرح می‌کرد. به عنوان مثال این افراد در نوشته‌ها و تبلیغات گسترده خود نژاد برتر را دارای قد و اندامی بالا بلند، کشیده، زیبا، با موی بور، صورت و بدن سفید، چشمانی خوش‌رنگ، دارای فرهنگ و تمدن بسیار پیشرفته، استعدادی شکوفا و باهوش معرفی می‌کردند و در مقابل نژاد سامی را سیه‌فام، زشت، کوتاه‌قد، بی‌فرهنگ، بی‌تمدن، بی‌استعداد، کودن، عقب‌مانده و . . . می‌نامیدند تا بدین وسیله فاصله‌های نژادی را ژرف‌تر کرده و با



انتی - سمیتیزم

Anti - Semitism

انتی - سمیتیست

Anti - Semitist

سمیت Semite (اسم) سامی - کسی که از نژاد سامی باشد.

سمیتیک Semitic (صفت) سامی - سامی‌نژاد - نژاد نوح

سامی‌ها نیز مانند نژادهای دیگر آسمانی ریشه‌ای خاص دارند. خاستگاه سامی‌ها از نظر علم مردم‌شناسی خاورمیانه است. از ویژه‌گی‌های آن‌ها پوست تیره است که نباید با سیاه‌پوستان آفریقایی اشتباه شود. خاستگاه اصلی سامی‌ها را که از تاریخی ۶۰۰۰ ساله برخوردارند اسرائیل، مصر، سینا، لبنان،



اردن، سوریه، فلسطین، عربستان و بخش‌هایی از شمال آفریقای امروزی می‌دانند که در ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد به جز مصر که از تمدن و فرهنگی غنی و پیشرفته برخوردار بوده و به همین نام امروزی نیز مشهور بوده است، بقیه سرزمین‌های امروزی با نام‌های دیگری مانند سینا، شام، حجاز و کشور سامی‌ها نام داشته و از اعتبار چندان زیادی برخوردار نبوده‌اند.

اما آن چه که این نژاد را مخصوصا در قرن بیستم بر سر زبان‌ها انداخته است، برخورد نژادپرستانه‌ی هیتلر و حزبش با سامی نژادها بوده است که در بین آن‌ها



به شدت از حکومت و پادشاه دفاع می‌کردند و اعتقاد داشتند که سلطنت موهبتی الهی است و برای سلطنت حقوق الهی قایل بودند. این فرضیه موجب گردید که هیچ‌کس نتواند در مقابل زور، ستم و بی‌عدالتی‌های دستگاه حاکمه مقاومت کرده و نسبت به پای‌مال شدن حقوق مدنی جامعه اعتراض کند. مدتی زیاد طول نکشید که حکومت‌های مذهبی و غیرمذهبی، روحانیون و پادشاهان حاکم با استفاده از این نظریه خود را نماینده‌کان مسیح و خدا در روی زمین نامیدند و بیش‌ترین بی‌عدالتی‌ها و ستم‌های جمعی را نسبت به مردمی که مخالف خودمختاری، دیکتاتوری و حکومت الهی مذهبیون بودند روا داشتند. سلسله‌ی استوارت در انگلستان بیش‌ترین بهره و سو- استفاده‌ها را از این نظریه کرد.

اکتیویسم Activism

اکتیویست Activist

نظریه‌ای است که بیش‌تر در بین سیاست‌مداران، احزاب سیاسی و پیروان آن‌ها مطرح است. برابر این نظریه امور جاری باید به جای محافظه‌کاری هر چه سریع‌تر به اجرا برسند. اکتیویست‌ها می‌گویند باید از ادعا، جار و جنجال، تبلیغ و هیاهو دست کشید و برنامه‌های جاری را بدون معطلی به اجرا درآورد. در اصطلاح عامیانه اکتیویست‌ها به جای حرف زدن، عمل می‌کنند.



ایجاد تضادهای اجتماعی نژادهای انسانی را به جان هم بیندازند. نژادپرستان به جز نژاد سفید و از نوع آریئن دیگران را نژاد فرودست می‌نامیدند و اعتقاد داشتند که فقط نژاد برتر حق زندگی دارد.

موج سرکش - سریع، کسب‌زده و فراگیر نژادپرستانه‌ای که علیه قوم یهود از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم در سرتاسر اروپا آغاز گردید و تا ۱۰۰ سال بعد و نزدیک به یک قرن ادامه یافت، و میلیون‌ها نفر از یهودیان را به جوخه‌های مرگ و کورده‌های ادم‌سوزی روانه کرد، حاصل همان برتری طلبی‌های نژاد آریئن بود که زیربنای اقتصادی داشت، بسیاری از اروپاییان از این که یهودیان توانسته بودند مراکز اقتصادی را زیرسلطه‌ی خود بگیرند ناراحت بودند و نسبت به آن‌ها حسادت می‌ورزیدند. این کینه‌توزی اجتماعی که زیربنای اقتصادی داشت، با گذشت زمان به کینه‌توزی نژادی تبدیل گردید و آن فاجعه‌ی بزرگ انسانی را موجب شد که نازی‌ها به وجود آورنده‌کان آن بودند و در مدتی حدود پنج سال بیش از نیمی از ثروت بشریت را نابود کردند و بیش از ۵۰۰۰۰۰ نفر را کشتند.

در آلمان با ظهور هیتلر فاجعه‌ی وحشتناکی رخ داد. نازی‌ها با اطمینان خاطر و طی تبلیغات بسیار گسترده به طرفداران خود قبولانند که نژاد برتر هستند و دارای امتیازهای ویژه‌ای باید باشند. نازی‌ها با خلق قوانین خودساخته حقوق و امتیازات زیادی را برای نژاد خود در نظر گرفتند. با تبلیغات گسترده

حزب نازی یهودیان به عنوان عوامل بیگانه، خارجی و نژادپرست نامیده شده و نا انجا پیش رفتند که یهودیان را دارای خونی پست و طبیعی جنایت‌کار و خصیلتی ناسازگار معرفی کردند. به زودی ازدواج و ابراز عشق و علاقه بین یهودیان که نژاد پست نامیده می‌شدند و آریئن‌ها که نژاد برتر نام داشتند ممنوع شد. با قدرت گرفتن روزافزون نازی‌ها، دانشمندان یهودی ساکن اروپا ناچار به ترک وطن و مهاجرت شدند و نوابغ بزرگ موسیقی که از نژاد یهودی بودند مورد آزار قرار گرفتند و آثار دو غول موسیقی عصر: سندلسون و افنباخ ممنوع اعلام شد. با گذشت زمان یهودیان از قوانین مدنی و اجتماعی محروم گردیدند و تجارت با آن‌ها ممنوع شد. از کارشان اخراج شدند و هیچ‌کس اجازه نداشت کاری به آنان واگذار کند.

در سال‌های اوج قدرت و سلطه‌ی نازی‌ها، یهودیان از شهرها رانده شده، از کارشان اخراج گردیدند و در اردوگاه‌هایی خارج از شهرها در وضعیت اسفناک اسکان داده شدند و بسیاری از آنان یا مردند یا کشته شدند و یا به کوردهای ادم‌سوزی سپرده شدند.

شکفت این که اروپای شرقی در سال‌های نخستین قرن بیستم مرکز سیارزه و مخالفت با یهودیان شد و طرفداران نژادپرستی در این کشورها روز به روز افزایش پیدا کردند.

اتحاد جماهیر عرب
United Arab Republic

انقلاب جمال عبدالناصر و بارانش در سال ۱۹۵۴ باعث شد که مصر به عنوان نخستین کشور عربی اسلامی از سلطه‌ی حکومت پادشاهی که زیر نفوذ انگلیس و سایر کشورهای استعماری بود، رهایی یابد.

انقلاب ناصر اگرچه وحشتی عظیم در دل حکام، امیران و پادشاهان کشورهای عربی و منطقه انداخت، اما از آن سو باعث دل‌گرمی و تحریک ملت‌های تحت ستم منطقه شد. هنوز چندی از انقلاب ناصر در مصر نگذشته بود که کشورهای عربی دیگری مانند لیبی، سوریه، عراق، سوئدان، یمن یکی پس از دیگری با سرنگونی رژیم‌های وابسته جمهوری شدند.

جمال عبدالناصر همیشه می‌اندیشید که اگر تمام کشورهای عربی با هم متحد شوند قدرتی عظیم را تشکیل خواهند داد که قرن‌ها غفب‌مانده‌کی آنان چبران خواهد شد. تر ناصر از بین رفتن مرزهای جغرافیایی بین کشورهای عربی بود. او در نوشته‌ها و سخن‌رانی‌های خود به مردم عرب هشدار می‌داد که وقتی مرز ایدئولوژیک و زبان بین آن‌ها وجود ندارد، چرا باید وجود مرزهای جغرافیایی یک قوم، یک ملت و یک نژاد هم دین و هم زبان را از هم جدا کند.

ناصر در پی تلاشی شکفت‌انگیز و باورنکردنی موفق شد نخستین هسته‌های یکانه‌کی کشورهای عربی را با شرکت لیبی و سوریه پایه‌ریزی کرده و نام این کانون را "اتحاد جماهیر عرب" بگذارد.

بامرک زود هنگام ناصر تمام ارزوهای او و هم‌فکرانش به خاک سپرده شد و رونای یک سرزمین، یک مذهب، یک زبان و یک ملت نیز به خاک سپرده شد. ده‌ها سال پس از مرگ جمال عبدالناصر، هنوز دگرین اتحاد و یک‌پارچه‌کی کشورهای عربی که توسط وی پایه‌ریزی شده بود، زنده است و بسیاری از ناسیونالیست‌های عرب در رویاهای خود به دنبال سواری می‌گردند که از راه برسد و سرانجام به آن فرضیه‌ی دیرینه‌ی جامه‌ی عمل ببوشد.